

سیمای امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین

اشکان جوانمرد^۱

تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۹

چکیده

موضوع زیارت حضرات معصومین علیهم السلام یکی از مصادیق اصلی توسل و تقرب جویی بندگان برای رسیدن به هدف آفرینش و معرفت الهی است. از میان زیارت‌های متعدد منسوب به امام حسین علیه السلام، زیارت اربعین به عنوان میثاق ولایی شیعیان و نشانه مومنان واقعی مورد عنایت ویژه واقع شده است. همچنین در کتب روایی شیعه، زیارت‌نامه‌ای معتبر برای روز اربعین، از سوی امام صادق علیه السلام صادر شده است که تعمق و بررسی بیشتر محتوای آن، اهداف قیام و صفات و شخصیت جامع امام حسین علیه السلام را به عنوان خلیفه الله نمایان‌تر می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، معصومین علیهم السلام، توسل، زیارت، زیارت اربعین.

۱. کارشناس ارشد الهیات، گرایش قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز
(ashkan.javanmard@chmail.ir)

معرفت توحیدی، علّت تامّه تمامی معارف الهی و افعال عبادی انسان‌ها در طول دوره‌های مختلف تاریخ است. آیات قرآن و آموزه‌های گهربار اهل بیت علیهم‌السلام همواره بر این مطلب تصریح می‌نمایند که نیل انسان به قلّه‌های کمال و قرب الهی، تنها از مجرای این نوع معرفت تحقق می‌یابد. از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقتضائات معرفت توحیدی، معرفت و ایمان بشر به وجود برگزیدگان الهی، اعم از پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. از آنجا که این اولیای الهی با عنایت خداوند و با طیّ اسفار اربعه توحیدی، فانی در ذات مقدس الهی شده‌اند؛ شناخت صفات و مقامات ایشان، همچون آینه تمام‌نمایی برای شهود اسما و صفات الهی به شمار می‌رود.

امام حسین علیه‌السلام، در حدیثی گهربار به این مطلب، به زیبایی اشاره فرموده‌اند: **أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ؛ فَإِذَا عَبَدُوهُ، اسْتَعْتَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي! فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ** (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۳۱۲)؛ ای مردم! خداوند متعال، بندگان خویش را خلق نفرمود مگر برای شناسایی ذات اقدسش؛ زیرا هنگامی که بندگان خدا، او را بشناسند؛ عبادتش خواهند نمود و هنگامی که او را عبادت نمایند، از عبادت غیر او بی‌نیاز خواهند شد. در این اثنا شخصی، به امام علیه‌السلام عرض نمود: ای پسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! پدر و مادرم به فدای شما! منظور از معرفت خداوند چیست؟ امام علیه‌السلام فرمودند: معرفت مردم هر زمان به امامشان است که اطاعت آن امام برایشان واجب شده است.

از طرفی اگرچه تمامی این اولیای الهی علیهم‌السلام، در وساطت فیض و هدایت انسان‌ها، نور واحدی به شمار می‌روند لکن ممکن است برخی از ایشان به دلایل خاصی، بتوانند مراتب عام‌تر و سهل‌الوصول‌تری از هدایت و معرفت را برای بندگان خدا به ارمغان آورند؛ به عنوان مثال، باب هدایت امام حسین علیه‌السلام در روایات، به دلیل وصول ایشان به مراتب بالای عرفانی و فنای مطلق‌شان در مشیت الهی، باب وسیع‌تری معرفی شده است.



امام صادق علیه السلام: كُنَّا سَفْنُ التَّجَاةِ وَلَكِنْ سَفِينَةُ جَدِيِّ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَفِي لُجَجِ الْبِحَارِ أُشْرِعَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶ / ۳۲۲)؛ همه ما اهل بیت علیهم السلام، کشتی های نجات هستیم ولی کشتی جدم حسین علیه السلام، گسترده تر و در دل امواج خروشان دریاها، سریع تر و با شتاب تر است.

بنابراین نتیجه می شود که توجه و توسل به این امام عزیز شیعیان علیه السلام، می تواند نقش منحصر به فردی در جلب فیوضات الهی، کسب توفیق هدایت و تسریع در وصول به قله های کمال ایفا نماید. در همین راستا، یکی از برجسته ترین و عام ترین مصادیق توسل به آن بزرگوار، مساله زیارت ایشان می باشد که در احادیث اهل بیت علیهم السلام، همسنگ زیارت خداوند در عرش رفیعش معرفی شده است.

زید الشحام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام؟ قَالَ: كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۷، باب ۵۹، ح ۱)؛ زید بن شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زائر امام حسین علیه السلام، در نزد پروردگار دارای چه مقام و منزلتی است؟ امام علیه السلام فرمودند: مانند کسی است که خداوند را در عرش او ملاقات نماید.

اهمیت و جایگاه زیارت اربعین

همانطور که در مقدمه اشاره شد؛ در بین تمامی زیارت های منسوب به اهل بیت علیهم السلام، زیارت امام حسین علیه السلام، از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در آموزه های اهل بیت علیهم السلام، دو نوع زیارت برای امام حسین علیه السلام در نظر گرفته شده است: یکی، زیارات مطلقه ایشان که اختصاص به وقت و زمان خاصی نداشته و بیانگر لزوم حفظ ارتباط دائمی شیعیان با آن امام همام علیه السلام می باشد و دوم، زیارات مخصوصه آن حضرت علیه السلام مانند زیارت شب های قدر، روز عاشورا، روز اربعین و شب نیمه شعبان که در حقیقت، زیارت ایشان در مناسبت های خاص و منسوب به آن حضرت علیه السلام است. در میان این زیارت های مخصوصه، زیارت اربعین، به عنوان میثاق ولایی شیعیان و نشانه مؤمنین واقعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام، أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ تَمَسُّ: صَلَاةَ

إِخْدَى وَحَمْسِينَ وَزِيَارَةَ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّخَمُّمِ فِي الْيَمِينِ وَتَغْيِيرِ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۵۲)؛

از امام عسکری علیه السلام روایت شده است که نشانه های مؤمنان پنج چیز است: اقامه پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، انگشتری به دست راست کردن، پیشانی به خاک نهادن و بلند بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.

آیت الله جوادی آملی در کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی در توضیح این روایت می فرماید: مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که با این شکل و کیفیت، از مختصات شیعیان است. موارد دیگر که در روایت یاد شده نیز همگی از مختصات شیعیان می باشد؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعیان یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نمی گویند یا آهسته تلفظ می کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می داند. مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» موجود در کلمه «الاربعین» نشان می دهد که مقصود امام عسکری علیه السلام، اربعین معروف و معهود نزد مردم است. اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است، بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است؛ زیرا برگشت چهار نشانه دیگر در حقیقت، به مسأله نماز است. به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، عصاره رسالت نبوی، قرآن و عترت است. عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز، ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار هم ذکر گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

زیارت نامه اربعین

در کتب روایی شیعه، همچون کتاب های تهذیب و مصباح المتعجد شیخ طوسی رحمته الله،

زیارت نامه ای پرفیض از سوی امام صادق علیه السلام برای روزاربعین صادر شده است که به دلیل اشتهال آن، بر معارف بی بدیل، همچون ترسیم سیمای درخشان امام حسین علیه السلام و تبیین اهداف قیام تاریخی ایشان دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد. تفکر و تعمق در فقرات این زیارت نامه ارزشمند، می تواند گامی بلند در جهت کسب نشانه های ایمان و حصول معرفت توحیدی برای پیروان آن حضرت علیه السلام باشد.

بررسی میزان اعتبار زیارت نامه اربعین

در بررسی صحت و درجه اعتبار احادیث اهل بیت علیهم السلام، معمولاً سند و متن احادیث مورد ارزیابی قرار می گیرد:

۱. بررسی کیفیت سند زیارت اربعین

منظور از سند، همان زنجیره راویان حدیث است که متن را از معصوم علیه السلام روایت می کند. در کتب تهذیب و مصباح المتهجد شیخ طوسی رحمته الله علیه سند زیارت اربعین این گونه بیان شده است:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلْعُكُبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ : قَالَ لِي مَوْلَايَ ... (طوسی، ۱۴۰۷ / ۱۱۳؛ همو، ۱۴۱۱: ۱۱۳).

آیت الله احمدی فقیه یزدی رحمته الله علیه، در کتاب ارزشمند زیارت اربعین آینه عرفان و آیت ایمان، در تحلیل سند زیارت اربعین می فرماید: مرحوم شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب های تهذیب و مصباح المتهجد، این روایت را تحت عنوان «روی» نقل فرموده است؛ لذا این روایت هر چند «مرسل» است ولی با توجه به قرائن و لوازمی مورد اعتماد و اعتبار است (احمدی فقیه یزدی، ۱۳۹۲: ۵).

گرچه مجلسی رحمته الله علیه در کتاب ملاذ الاخیار که در واقع شرح تهذیب الاخبار شیخ است، آن را «حدیث مجهول» دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۰۶ / ۹-۳۰۱-۳۰۶). ولی در کتاب تحفه الزائر، سندش را «معتبر» مرقوم فرموده اند و در آنجا گفته اند که: وبه سند معتبر (مجلسی، ۱۳۸۶:

ایشان در ادامه با اشاره به این که احتمالاً مجهول عنوان شدن حدیث در ملاذالاکخیار می‌تواند به دلیل عدم توثیق خاص برخی روای آن؛ همچون محمد بن علی بن معمرو روشن نبودن شرح حال راویانی همچون ابوالحسن علی بن محمد بن مسعده باشد؛ اما در مقابل، قرارگرفتن محمد بن علی بن معمردر عداد مشایخ اجازه هارون بن موسی بن احمد التلعکبری و همچنین همراهی حسن بن علی بن فضال با علی بن محمد بن مسعده در نقل حدیث و توثیق بقیه روایان سند، جزو قرائن مورد اعتمادی می‌باشند که حدیث را از حالت ارسال و مجهول خارج نموده و آن را مورد اعتبار و اعتماد می‌سازند و شاید با توجه به همین قرائن ثانوی بوده که مرحوم مجلسی رحمته الله در کتاب *تحفه الزائر بر صحت و اعتبار سند صحه می‌گذارد* (احمدی فقیه یزدی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۴).

۲. بررسی کیفیت متن زیارت اربعین

منظور از متن، الفاظی است که معنای حدیث، بدان استوار است. یکی از راه‌های حصول اطمینان از اعتبار احادیث، توجه به قرائن متصله و درون متنی حدیث می‌باشد. آیت الله جوادی آملی با اشاره به این که بررسی سند روایات، موضوعیت و ارزش ذاتی نداشته بلکه صرفاً طریقیّت در حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام دارد، می‌فرمایند: از هراهی که اطمینان به صدور روایت حاصل شود، کفایت می‌کند خواه به عدالت راوی باشد یا به وثاقت وی، یا به علو متن و یا به عمل فقها به متن و استناد به آن در مقام استدلال و یا هراهی دیگری. لذا تصریح شده است که اگر متن روایت به گونه‌ای بود که صدور آن از غیر معصوم علیه السلام ممکن نبود، اطمینان مورد اشاره حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/ ۷۵-۷۶). با عنایت به بیانات معظم له و با بررسی سند و متن زیارت نامه اربعین نتیجه می‌گیریم که زیارت نامه‌ای معتبر و صحیح است.



بررسی کیفیت ترسیم سیمای امام حسین علیه السلام در زیارت نامه اربعین

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ

زیارت اربعین با سلام زائر بر امام حسین علیه السلام آغاز و با صلوات وی بر مراتب مختلف اهل بیت علیهم السلام خاتمه می‌یابد. «سلام» در لغت، به معنای موافقت و سازگاری شدید دو چیز در ظاهر و باطن است به قسمی که نتوان هیچ‌گونه جدایی و اختلافی را در این بین تصور کرد. از لوازم این معنا می‌توان به مفاهیم انقیاد و گردن نهادن، تسلیم شدن مطلق، صلح و رضایت مندی کامل اشاره نمود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵ / ۱۸۸-۱۹۱).

وجود مقدس امام حسین علیه السلام در زیارت نامه اربعین، با صفاتی همچون ولی، حبیب، خلیل، نجیب و صفی‌الهی شایسته قبول سلام و صلوات الهی از جانب زائر معرفی شده است. ثمره سلام الهی بر ایشان، عصمت و پاکی ایشان از نقائص و زشت‌ها و همچنین ترفیع درجات معنوی و تقرب ایشان و ثمره سلام زائر بر ایشان، واجب‌الاطاعه بودن و تسلیم شدن مطلق زائر در برابر آن حضرت علیه السلام است. همچنین سلام و صلوات در فقرات این زیارت نامه نورانی، بر مراتب مختلفی از ائمه علیهم السلام واقع گردیده است. به عنوان مثال گاهی سلام، به صورت مطلق و بر حقیقت ایشان و گاهی نیز سلام بر اجساد مطهر ایشان واقع شده که نشانگر سالم بودن جسم‌های ایشان از عیوبی که موجب تنفر جامعه و همچنین نشانه میرا بودن وجود مادی ایشان از قرارگیری در صلب‌ها و رحم‌های آلوده به شرک و گناه است. نهایتاً گاهی اوقات نیز سلام، بر ارواح طیبه ایشان واقع گردیده که مطابق روایات، این ارواح پاک، منشق از نور الهی می‌باشند (تحریری، ۱۳۶۸: ۲۹-۳۰).

کلمه «ولی» به معنای واقع شدن دو چیز در جلوی پشت سر همدیگر است به قسمی که علاوه بر این نزدیکی، رابطه‌ای نیز در بین آنها وجود داشته باشد و باید دانست که ممکن است این دو چیز به لحاظ وجودی یا موقعیتی و یا اعتباری تفاوت‌هایی نظیر ارتباط ولایی بین خداوند و انسان‌ها هم داشته باشند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۲۰۳).

آیت الله جوادی آملی از علامه طباطبایی رحمته الله علیه در معنای کلمه «ولایت» نقل فرموده‌اند که «ولایت» در همه موارد کاربردش، معنای «قرب» را می‌رساند؛ لکن در نامحسوسات گاه از

گونه حقیقی مانند قرب خداوند به آفریده‌ها و گاه از گونه اعتباری مانند قرب ولی صغار به آنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷ / ۲۵).

امام حسین علیه السلام، ولی خداست و نزدیکی بلاواسطه و دوطرفه‌ای با خداوند دارد یعنی از یک طرف خداوند متعال آن چنان وصل به ایشان و متولّی و مدبّر امور او است که هیچ کس دیگری، چنین ارتباط تنگاتنگ و بلاواسطه‌ای با ایشان ندارد و از طرف دیگر آن بزرگوار، آن چنان وصل به خدا است که متولّی اطاعت خدا، در تمامی اوامر و نواهی الهی می‌باشد. ایشان، همچنان فرزند ولی خدا می‌باشند که در زیارت وارث، این مقام ولایت، میراثی از امیرمومنان علیه السلام برای آن حضرت معرفی شده است. همچنین ترکیب اضافی «ولی الله» می‌تواند به جنبه استخلاف حضرات ائمه علیهم السلام و مخصوصاً امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در مراتب و تجلّی اسم جامع الهی باشد؛ همچنان که اتصاف آن حضرت علیه السلام در متن همین زیارت‌نامه به فضایل و صفات بی‌شمار، نشان از همین جامعیت و سعه وجودی ایشان دارد.

کلمه «حبّ» در اصل، به معنای دوست داشتن و گرایش شدید است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲ / ۱۵۲). «حبیب» به کسی گفته می‌شود که همه محاسن در او جمع باشد. اگر به معشوق، حبیب گفته می‌شود به این جهت است که در نظر عاشق، همه حُسن‌ها در او جمع شده و هیچ زشتی و نقصی در او دیده نمی‌شود پس در جایی که زائر اربعین، به امام علیه السلام خود، به عنوان ولی خدا و حبیب، سلام می‌کند فی الواقع او را امام مطاعی معرفی می‌نماید که واجد تمام محاسن و فاقد تمام قبائح است (مستحسن، ۱۳۸۹: ۳۰۷ - ۳۰۸).

السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ

کلمه «خَلّ» به معنای انفراج و لایه بر لایه داشتن است و «خلیل» به معنای دوست انسان و کسی که دارای گشادگی روحی باشد و کنایه از این است که کسی، محرم اسرار انسان و حفظ کننده سرّ او از غیر باشد. از لوازم این معنا؛ دوستی، برادری، اختصاص و موَدّت است و «خلیل» در مقام همنشینی و انس، به معنای کسی است که به حفظ اسرار



ورازهای انسان اختصاص یافته و امانت دار حالات و گفتار آدمی از غیر اوست (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳ / ۱۲۰).

امام حسین علیه السلام، خلیل الهی اند و مقام خلت ایشان، یا به دلیل یکرنگی و اخلاص ایشان در دوستی ذات باری تعالی و اصطلاحاً دوستی بی خلل ایشان و یا به دلیل نیازمندی شدید ایشان و همچنین حصر این نیازمندی و احتیاج نسبت به خالق ازلی است. مطابق زیارت وارث، این مقام خلت، میراثی از حضرت ابراهیم علیه السلام برای آن حضرت علیه السلام معرفی شده است.

«إنتجب فلان فلاناً: إذا استخلصه واصطفاه إختياراً علی غیره»: برای خویش خالص کرد و با اختیار بر غیر برتری بخشید.

«المنتجب: المختار من كل شيء»: یعنی برگزیده از میان کل چیزی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳ / ۱۸۵).

امام حسین علیه السلام، نجیب الهی و برگزیده و اختیار شده اومی باشند و این نجابت ایشان، بر اختصاص یافتن آن بزرگوار به ذات اقدس الهی و کمال قرب و نزدیکی ایشان دلالت دارد.

تقارن دو صفت «خلیل الهی» و «منتجب بودن»، این مقصود را می‌رساند که اولاً تا کسی ابراهیمی نشده باشد، خداوند او را به دوستی خود بر نمی‌گزیند؛ ثانیاً در جایی که مقام «خلیل الهی» به «نجیب» تعقیب شده باشد، معنی برگزیده خلیلان را می‌دهد (مستحسن، ۱۳۸۹: ۳۰۸-۳۰۹).

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ

کلمه «صفو»، به معنای خلوص و پاکی از حیث ذات در مقابل کدورت و تیرگی است. در مقایسه اللغه آمده که «صفو»، یعنی خلوص از هرگونه اختلاط و ناخالصی و «صفا»، مصدر از همین ماده است و در زمان خالص شدن چیزی از ناخالصی‌ها به کار می‌رود. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله، صفوة الله یعنی بنده خالص و برگزیده و مصطفای الهی بودند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۶ / ۲۵۷-۲۵۸). امام حسین علیه السلام، صفی الهی اند و مقام صفوت

ایشان یا به معنای برگزیدگی امام حسین علیه السلام در اثر خلوص عبودیت و تسلیم تام ایشان در برابر خداوند و یا به معنای برگزیدگی تکوینی یا تشریحی ایشان بر سایر خلائق در اثر امتیازات خاصی است که مختص به آن حضرت علیه السلام همچون طیب ولادت و یا مساله شهادت ایشان است. همچنین ایشان، فرزند امیرمؤمنان علیه السلام، صفی خدا نیز هست و مسأله اصطفاء، در خاندان ایشان ریشه دوانده همچنان که در زیارت وارث، این مقام صفت، میراثی از حضرت آدم علیه السلام برای آن حضرت علیه السلام معرفی شده است.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

امام حسین علیه السلام، در راه تبلیغ و محافظت از دین، مظلوم و مورد ستم ظالمان واقع شدند و هیچ ظلمی از بدو خلقت تا روز قیامت، به لحاظ کمی و کیفی، با بزرگی وزشتی ستم‌های وارده به ایشان و یاران باوفایشان برابری نمی‌کند و شاید به همین جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ایشان فرموده‌اند: «لَا يَوْمَ كَيْفُومِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!»؛ ای حسین علیه السلام! هیچ روزی به لحاظ شدت سختی و مصائب، همچون روز عاشورای تونیست! در فقرات بعدی زیارت اربعین نیز، به مرگ مظلومانه ایشان، در کنار حیات مظلومانه ایشان اشاره شده است: «وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً؛ و گمگشته و ستم‌دیده و شهید از دنیا رفتی.

امام حسین علیه السلام، شهید راه دین و سید شهدای تاریخ هستند و شهادت ایشان، در فقرات بعدی زیارت اربعین، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ، به عنوان فوز و کرامتی از جانب خداوند برای ایشان معرفی شده است. زیرا مقام شهادت، از بارزترین مصادیق اعمال صالحه است که انسان‌های کامل، همواره در صدد تحصیل آن، برای خویشتن و ترغیب دیگران برای نیل به آن می‌باشند.

السَّلَامُ عَلَى أُسَيْرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

امام حسین علیه السلام، در حادثه کربلا و بلکه در برهه‌های مختلف زندگی با برکتشان، اسیر «کربات» یعنی مصائب و ناگواری‌های شدید و دلخراش شدند که این نام‌لایمات و مشکلات فراوان در راه تبلیغ و پاسداشت دین الهی، موجب به فعلیت رسیدن مقام‌های مقدر الهی برای آن حضرت علیه السلام و نهایتاً پیروزی عقلانیت بر جهالت و ضلالت شد.

همچنین امام حسین علیه السلام، کشته شده اشک‌ها می‌باشند و این صفت مطابق بیان علامه مجلسی رحمته الله در *بحار الانوار*، یا به معنای کشته شده منسوب به اشک است و در واقع سبب ریزش اشک‌های بشریت می‌شود و یا به معنای آن است که آن حضرت، با حالت حزن و اندوه و اشک ریختن، به شهادت رسیدند. البته احتمال اول در نظر ایشان از ظهور بیشتری برخوردار است.

وَحَبْوَتُهُ بِالسَّعَادَةِ

مطابق فقرات زیارت اربعین، امام حسین علیه السلام سعید دنیا و آخرت هستند و خداوند متعال، این سعادت و نیکبختی را به ایشان اعطاء فرموده است؛ البته این اعطای سعادت، ممکن است بصورت تکوینی و با خلق استعدادات در وجود آن بزرگوار بوده باشد که این احتمال با فقرات بعدی زیارت، همچون برخورداری ایشان از طیب ولادت و شموخ اصلاب و طهارت ارحام سازگارتر است و یا منظور از سعادت در این فقره از زیارت، مطابق احادیث اهل بیت علیهم السلام، ختم شدن سرنوشت ایشان به خیر و فلاح است که این احتمال نیز با فقره دیگر زیارت «وَمَضَيْتَ حَمِيداً» سازگاری بیشتری دارد.

وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ

با عنایت به این که فعل «اجتباء»، به معنای انتخابی خاص بر اساس دقت و امتیازی خاص و بآ در ترکیب «بطیب الولادة»، بای سببیت باشد، امام حسین علیه السلام برگزیده الهی، به سبب پاکی و طیب ولادت می‌باشند. در فقرات بعدی زیارت نامه، زائر اربعین به همین ویژگی شخصیتی امام علیه السلام شهادت قلبی می‌دهد: «أَشْهَدُ أَنَّكَ نُورٌ فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ».

آری! امام حسین علیه السلام، فرزند اصلاب شامخه و ارحام مطهره هستند و این مسأله، در بروز استعدادات تام و مبادی لازم برای وصول به کمالات و حنین ایشان به خیرات و تنقیر ایشان از شرور نقشی اساسی دارد. در سلسله نسبی ایشان، بزرگانی همچون رسول الله صلی الله علیه و آله، جناب سیدالوصیاء علیه السلام و حضرت صدیقه کبری علیها السلام پرتوافشانی می‌کنند؛ از این رو جهل و ضلالت جاهلی، چه به لحاظ تکوینی و چه به لحاظ تشریحی به هیچ وجه عنوان

نتوانسته در وجود مقدس ایشان راه یابد. همچنان که هدف اصلی ایشان در همین زیارت نامه، نجات بندگان خدا از چنین ضلالت و جهالتی بیان گردیده است و روشن است که اگر کسی خود اندک آلودگی به نجاسات جاهلی داشته باشد، از نیل به چنین هدف والایی باز خواهد ماند.

امام خمینی علیه السلام در رساله ارزشمند «طلب و اراده» که در واقع تقریر درس خارج اصول ایشان است، در این زمینه می فرماید: از جمله چیزهایی که منشا اختلاف رغبت انسان ها به نیکی ها و بدی ها می شود، اصالت و عدم اصالتِ صلب ها و پاکی و عدم پاکی رحم های والدین آدمی است. این مساله، دخالت کاملی در تفاوت استعدادها و افاضه های وجودی انسان ها دارد؛ هم چنان که در زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به این معانی اشاره شده است. آنجا که می گویی: یا اباعبدالله علیه السلام! گواهی می دهم که تونوری بودی در صلب های شامخ و رحم های پاکیزه. به طوری که ملاحظه می شود در این فقره از زیارت اربعین، از نطفه حضرت علیه السلام به دلیل کمال لطافت و صفا و طهارتش به نور تعبیر شده است (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۴۶).

آیت الله منتظری علیه السلام نیز در کتاب ارزشمند *از آغاز تا انجام* در گفتگوی دودانشجو، بیان جامعی دارند: البته خدا فیاض علی الاطلاق است و به اصطلاح «تامّ الفاعلیه» می باشد، ولی مزاج هایی که قابلیت داشته باشند جلوه های غیبی را دریافت نمایند، بسیار کم می باشند همچنان که در زیارت وارث و اربعین خطاب به حضرت سیدالشهداء علیه السلام چنین می گوئیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا».

گوهر پاک نباید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی، لؤلؤ و مرجان نشود ابن سینا در آخر الهیات *شفا* می گوید: حتماً این شخص که پیامبر است چنین نیست که وجود او در هر زمان تکرار شود، زیرا ماده و نطفه ای که بتواند روح پاک و شفاف و کاملی همچون روح پیامبر را بپذیرد، باید دارای مزاج ویژه ای باشد که بسیار نادر است (منتظری، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۸).

وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِّنَ الذَّادَةِ... وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى

خَلَقَكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ؛ مطابق این فقره از زیارت، آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ، سید و بزرگ امت و طبق فرمایش پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سید جوانان اهل بهشت نیز هستند. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، قائد و پیشرو امت هستند. البته قیادت ایشان، مرتبه‌ای بالاتر از هدایت صرف بوده و به معیت و همراهی ایشان، با بندگان الهی برای طی مراحل هدایت و کمال دلالت دارد. ایشان، دفع کننده جهالت و ضلالت، شقاوت اُخروی، نامالیقات و سختی‌ها از شیعیانشانند و نهایتاً مطابق حدیث نورانی «ثقلین»، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در زمره ودایع گران سنگ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حجّت‌های الهی‌ای هستند که تمسک به قول و فعل و تقریرشان موجب نجات امت از ضلالت و گمراهی می‌شود.

وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، میراث‌دار کمالات پیامبران بزرگ الهی از جمله آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. مسأله وراثت ایشان که در «زیارت وارث»، به تفصیل به آن اشاره شده، نشانگر جامعیت شخصیت این امام بزرگ است. این میراث ارزشمند در فقرات زیارت اربعین، به عنوان اعطایی از جانب خداوند متعال معرفی شده که ممکن است بصورت تکوینی و با خلق استعدادات و مبادی وصول به کمالات و یا به صورت تشریحی و اعطای حقیقت آموزه‌ها و شریعت‌های پیامبران بزرگ الهی و یا اعطای همزمان هر دو مورد فوق باشد.

فَأَعذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَدَلِ مُهْجَتِهِ فَيْكَ

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، داعی الی الله هستند و از روش‌های مختلف هدایت‌گری و دعوت الهی در زمان‌ها، مکان‌ها و اجتماعات مختلف مسلمانان بهره‌برداری کردند. ایشان با نهایت نصیح و خیرخواهی و با زبان نرم، مردم را به سوی خدا فراخواندند تا این که حجّت الهی را برایشان تمام نمایند و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را برای ایشان باقی نگذارند. آن حضرت نهایتاً خون قلبشان را نیز در این راه فدا کردند.

لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ

هدف اصلی قیام امام حسین علیه السلام در فقرات نورانی زیارت اربعین، بیدار نمودن بندگان الهی، اعم از مسلم و غیرمسلم از جهالت و گمراهی معرفی شده است. همچنان که خداوند متعال، تعلیم و تزکیه را برنامه رسمی پیامبران قرار داده که یکی برای زدودن جهل علمی و دیگری برای از میان برداشتن جهالت عملی است تا جامعه‌ای جامع بین علم صائب و عمل صالح، یعنی جامعه‌ای عقلی، پدید آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶/ ۱۸-۲۱).

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَعَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ [لِلنَّارِ]، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

عمده‌ترین محور اجتماع دشمنان آن حضرت علیه السلام، هواپرستی، دنیاطلبی، آخرت فروشی، گردن‌فرازی و تبختر در برابر حق و در یک کلام پیروی از طاغوت‌ها است. با توجه به قاعده «تعرف الاشياء باضدادها»، علت اصلی دشمنی ایشان با آن حضرت علیه السلام، به دلیل وجود متضاد این صفات در آن حجّت الهی می‌باشد. بنابراین صفات موجود در آن حضرت علیه السلام، شامل موارد زیر خواهد بود: نفی هواهای نفسانی، زهد و آخرت طلبی، تواضع و تسلیم مطلق در برابر خداوند، ذلت‌ناپذیری، نفی اطاعت طاغوت‌ها و تفرقه‌افکنان در جامعه اسلامی.

امام حسین علیه السلام، با چنین دشمنانی با نهایت صبر و اخلاص و فداکاری مجاهدت کردند و مال، جان و آبروی خویش را در این راه فدا نمودند. این مبارزه نهایتاً منجر به حصول مراتب بالایی از یقین توأم با بهره‌مندی از فیض عظیم شهادت، برای آن حضرت علیه السلام شد.

در پایان این فقره از زیارت، زائر اربعین در قالب تفریع و نتیجه‌گیری از فقرات پیشین زیارت‌نامه، از خداوند می‌خواهد که دشمنان نادان و متعصب ایشان را که با نادیده گرفتن



جایگاه و کمالات بی‌شمار آن حضرت علیه السلام، حریم مقدّسشان را شکستند و از هیچ‌گونه ظلم و جنایتی در حق ایشان فروگذار ننمودند، مورد لعن و دوری از درگاه رحمتش قرار دهد؛ زیرا که این امر، جزای متقابل اعمال زشت و وحشیانه ایشان و سازگار باطن پلیدشان است (تاج‌الدین، ۱۴۳۴: ۱۸۰-۱۸۱). تلازم «سلام» و «لعن» در اکثر زیارت‌نامه‌های آن حضرت علیه السلام، بیانگر لزوم رعایت توأمان «تولی» و «تبری» از جانب زائرین و پیروان حقیقی آن بزرگوار علیه السلام است.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ

امام حسین علیه السلام، امین خدا و فرزند امین خدا در رساندن فیوضات الهی به مخلوقات و ارائه نیاز ایشان به درگاه الهی و یا در رساندن امر امامت و ولایت به امامان بعدی هستند. «امین»، صفت مشبّهه است که گاهی به معنای فاعلی و گاهی به معنای مفعولی می‌آید: مانند قتیل. بنابراین معنای «امین»، مؤتمن و مؤتمن خواهد بود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۳۴)؛ لیکن بیشتر موارد در معنای مؤتمن، یعنی معنای مفعولی به کار می‌رود. فرق «مؤتمن» و «امین»، این است که مؤتمن، به کسی گفته می‌شود که مورد اعتماد و اطمینان دیگران قرار گیرد؛ هرچند که در باطن، شخص خائنی باشد. اما امین، به کسی گفته می‌شود که وصف امانت در او، ثبوت و استقرار پیدا کرده است و واقعاً صلاحیت اعتماد و اطمینان دیگران را داشته باشد. از این رو، به کسی که مورد اعتماد و اطمینان است و امانتی جهت حفظ و نگهداری به وی سپرده شود، امین گفته می‌شود.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه تنها در رساندن رحمت‌های رحیمیه الهی، واسطه فیض الهی قرار می‌گیرند بلکه در تنزیل رحمت رحمانیه نیز وساطت می‌کنند. البته روشن است که کسی که امین خدای رحمان است هم در رساندن فیض به مستمندان، امانت را رعایت می‌کند و هم در ارائه نیازمحتاجان و ابلاغ مسئلت سائلان، گرچه که ذات اقدس الهی، خود اقرب واعلم و اقدر علی الاطلاق است، لکن در بحث وساطت، ویژگی امین همان است که بیان گردید (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۸-۳۰۱).

در فقرات بعدی زیارت اربعین، زائر اربعین مجدداً به وفاداری و امانت‌داری امام علیه السلام

نسبت به امانت و عهد الهی شهادت می دهد: **وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ**. تقارن فقرات **«وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ»** و **«وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ»**، بیانگر یقین قلبی زائر مبنی بر حفظ امانت و وفای آن حضرت علیه السلام به عهد الهی و متقابلاً تحقق وعده های الهی در حق آن حضرت علیه السلام؛ همچون وعده نصرت مجاهدان و غلبه قطعی رسولان و هادیان الهی بر دشمنان خویش می باشد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبِرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ؛ زائر اربعین در ادامه زیارت نامه، شهادت قلبی خویش را که نشان از عمق معرفت و مودت وی به مقام امام حسین علیه السلام دارد، در محضر ایشان و با خطاب قرار دادن مستقیم آن حضرت علیه السلام اظهار نموده و در کنار آن، به بخشی دیگر از صفات و ویژگی های امام حسین علیه السلام به عنوان مشتی از هزاران خروار اشاره می کند: ای امام حسین علیه السلام! شهادت می دهم که شما، از زمره ستون ها و تکیه گاه های دین خدا می باشید. همچنین شهادت می دهم که شما، از جمله ارکان مسلمانان و پناهگاه های مؤمنان و بلکه پناهگاه های همه انسان های بی پناه می باشید؛ همان پناهگاه هایی که در زیارت جامعه از آنها به **«كَهْفِ الْوَرَى»** تعبیر شده است. شهادت می دهم که شما، به عنوان امام و پیشوایی نیک منش، تقی و پرهیزکار، رضی و پسندیده، زکی و پاک، هدایتگر و هدایت شده می باشید.

«امام»، به معنای کسی است که از وی، پیروی و به وی اقتدا شود (قرشی، ۱۴۱۴: ۱/۱۲۱).

«بر»، به معنای فرد نیکوکاری است که با انجام اعمال صالح و به جا آوردن وظایف خویش، حالت تقوا و عدالتش را حفظ نماید (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/۲۵۰).

«التقی»، به کسی اطلاق می شود که در خفا از خداوند بترسد و نفس خویش را از معاصی و محرمات الهی باز دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۲۹۹).

«الرضی»، به معنای فرد مورد رضایت الهی و یا به معنای شخص مطیعی است که به آنچه که از جانب خداوند برایش مقدر شود راضی باشد (تاج الدین، ۱۴۳۴: ۲۰۲).

«الزکی»، به معنای هر چیز شایسته و پاکیزه از آلودگی ها، از نظر خلق و خوی و جسم و

جان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۴؛ طبرسی، ۱۴۲۶: ۱۵/۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۵).

«الهادی»، به معنای هدایت کننده به سوی خدا و «المهدی» به معنای هدایت شده الهی است (قرشی، ۱۴۱۴: ۷/۱۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵/۳۵۳-۳۵۴). تلازم دو صفت هادی و مهدی، نشانگر این است که تا کسی مهدی نباشد، نمی تواند هادی و هدایت گر جامعه اسلامی شود.

با بررسی و غور در زندگی عملی امام حسین علیه السلام، ملاحظه می شود که آن بزرگوار، بحق مصداق بارز صفات فوق و در یک کلام اسوه و الگوی جامعی از مقام انسان کامل و پیشوای مسلمین هستند. اظهار ایمان قلبی زائر اربعین نسبت به امام حسین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام، در فقرات بعدی زیارت نامه اربعین، نشانگر لزوم پیروی کامل و اطاعت تام زائر از آن بزرگواران، در قول و فعل و اعتقاد قلبی و در یک کلام واجب الاطاعه بودن ائمه علیهم السلام است. مساله رجعت ائمه علیهم السلام، در فقرات این زیارت نامه، بعنوان مساله ای کلیدی و قطعی مطرح شده است که زائر بایستی برای آن آمادگی لازم را کسب نماید و پیوسته بدان، توجه داشته باشد. ابراز معیت زائر در فقرات زیارت اربعین، بر این معنا اشاره دارد که امام حسین علیه السلام، در زمره صادقینی می باشند که خداوند متعال در کتاب خویش لزوم حفظ معیت حقیقی و دائمی با ایشان را به مومنان توصیه فرموده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه / ۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و همراه راستگویان باشید.

نتیجه

وجود مقدس امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین، نماد انسان کاملی است که مظهر اسماء، صفات و مشیت الهی است و مانند خداوند صفات سلبی و اثباتی دارند. صفات سلبی ایشان، همان صفاتی است که برای دشمنان ایشان بیان شده است. صفات اثباتی نیز صفات فراوانی مانند ولی، حبیب، خلیل، نجیب و صفی که اجتماع آنها در وجود مقدس امام حسین علیه السلام موجد جامعیت شخصیت و مظهریت این انسان کامل الهی از

اسماء و صفات خداوند است. از توجه به نوع افعالِ بکاررفته در متنِ زیارت‌نامه، چنین برمی‌آید که برخی از صفات ترسیم شده برای آن حضرت علیه السلام، همچون سعادت و وراثت انبیاء، موهبتی اعطائی از جانب خداوند و برخی دیگر همچون سیادت، قیادت، ذاندیت و حجّیت، مجعولِ خداوندِ متعال، در وجود آن حضرت علیه السلام است. ایشان همچنین برگزیده الهی به سبب پاکی ولادت و طهارت والدین می‌باشند. امام حسین علیه السلام همچون سایر ائمه علیهم السلام، امین الهی در میان بندگان، پیشوایی نیکوکار و پرهیزکار، هدایتگری معصوم و پاکیزه و مطهر می‌باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، موسسه مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد قمی (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف، موسسه دارالمرتضویه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، موسسه دارالفکر للطباعه و النشر والتوزیع.
- احمدی فقیه یزدی، محمد حسن (۱۳۹۲ش)، زیارت اربعین، آینه عرفان و آیت ایمان، چاپ چهارم، قم، موسسه دارالتفسیر.
- تاج الدین، مهدی (۱۴۳۴ق)، النور المبین فی شرح زیاره الاربعین، چاپ دوم، کربلا، موسسه مکتبه علامه ابن فهد الحلّی.
- تحریری، محمود (۱۳۶۸ش)، سیمای مخبتین، تهران، نشر مشکات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، ادب فنای مقربان، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۹۱ش)، شکوفائی عقل در پرتو نهضت حسینی، چاپ یازدهم، قم، مرکز نشر اسراء.
- خمینی، روح اله (۱۳۶۲ش)، رساله طلب واراده، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۶ق)، تفسیر مجمع البیان، چاپ دوم، بیروت، موسسه الاعلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، بیروت، موسسه فقه الشیعه.

- _____ (۱۴۱۱ق)، مصباح المتعبد وسلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه الشيعه.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۴ق)، قاموس قرآن، تهران، موسسه دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۶ش)، تحفه الزائر، قم، موسسه پیام امام هادی علیه السلام.
- _____ (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخيار فی فهم تهذیب الاخبار، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
- مستحسن، عبدالله (۱۳۸۹ش)، سفری از عاشورا به أربعین، قم، موسسه سبط النبی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، موسسه دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵ش)، از آغاز تا انجام در گفتگوی دودانشجو، قم، موسسه هاشمیون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

